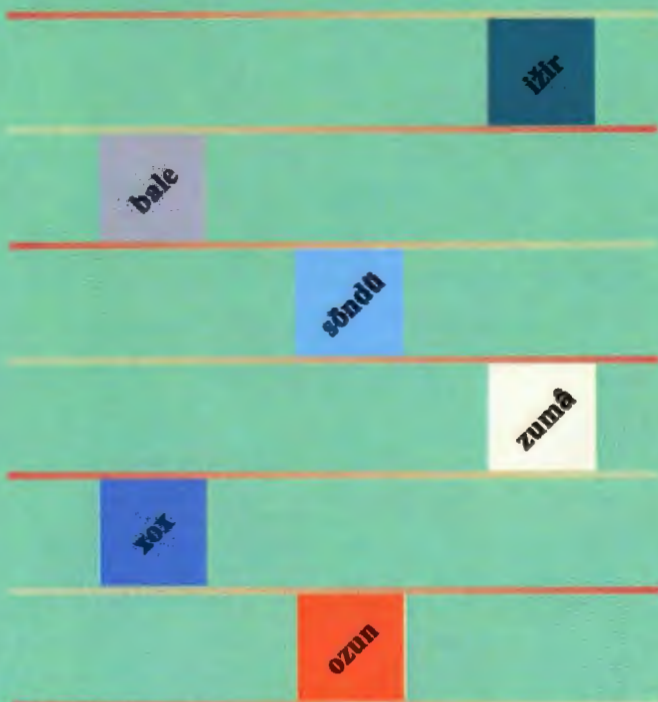


بررسی گویش گزِ بُر خوار

دکتر محمد مهدی اسماعیلی



نشریه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی گویش گزِ بُر خوار

دکتر محمدمهدی اسماعیلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

بررسی گویش گزِ بُرخوار

مؤلف: محمدمهدی اسماعیلی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: اسماعیلی، محمدمهدی، ۱۳۲۹ -

عنوان و نام پدیدآور: بررسی گویش گزِ بُرخوار / محمدمهدی اسماعیلی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: جدول.

شابک: 978-964-426-896-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۳ - ۱۸۴.

موضوع: گزی

Gazi dialect موضوع:

موضوع: زبان‌های ایرانی -- گویش‌ها

Iranian languages -- Dialects موضوع:

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۵/۴۱/۳۲۷/۶ PIR

رده بندی دیویی: ۹۴۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۴۳۱۲۸

سپاسگزاری

در اینجا لازم است از مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ویژه سرکار خانم دکتر زهره زرشناس، مدیر محترم گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و همچنین جناب آقای ناصر زعفرانچی، مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه که امکان چاپ این اثر را فراهم کردند، صمیمانه تشکر نمایم.

فهرست

مقدمه	۱۱
۱- موقعیت جغرافیایی گز بُر خوار	۱۱
۲- سابقه تاریخی گز بُر خوار	۱۲
۳- بزرگان و مشاهیر گز بُر خوار	۱۳
۴- گویش گزی و پیشینه مطالعاتی آن	۱۴
فصل اول: نظام واجی	۱۷
۱-۱- همخوان‌ها	۱۷
۱-۲- واکه‌ها	۱۹
۱-۳- واکه‌های مرکب آوایی	۲۰
۱-۴- ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی	۲۱
۱-۵- تکیه	۲۱
فصل دوم: واج‌شناسی در زمانی	۲۳
۱-۲- مقدمه	۲۳
۱-۲-۲- تغییرات همخوان‌ها	۲۵
۱-۲-۲-۱- تضعیف لبی‌ها	۲۵
۱-۲-۲-۲- تضعیف تیغه‌ای‌ها	۲۶
۱-۲-۲-۳- تضعیف ملازی‌ها	۲۷
۱-۲-۲-۴- تضعیف چاکنایی‌ها	۲۸
۱-۲-۲-۵- تقویت	۲۹
۱-۲-۲-۶- قلب	۲۹
۱-۲-۳- تغییرات واکه‌ها	۲۹
۱-۲-۳-۱- پیشین‌شدگی واکه‌های پسین	۲۹
۱-۲-۳-۲- گردش‌دگی واکه‌های پیشین	۳۰
۱-۲-۳-۳- افراشتگی واکه‌های باز	۳۰

۳۳	فصل سوم: صرف
۳۳	۱-۳- اسم
۳۳	۱-۱-۳- شمار
۳۳	۲-۱-۳- معرفگی
۳۴	۲-۳- صفت بیانی
۳۴	۳-۳- ضمیر
۳۴	۱-۳-۳- ضمائر شخصی
۳۵	۲-۳-۳- ضمائر پی‌بستی
۳۶	۳-۳-۳- ضمائر اشاره
۳۶	۴-۳-۳- ضمیر مشترک
۳۷	۵-۳-۳- ضمیر متقابل
۳۷	۶-۳-۳- ضمائر مبهم
۳۷	۴-۳- پرسشواژه‌ها
۳۸	۵-۳- قید
۳۸	۶-۳- عدد
۳۸	۱-۶-۳- اعداد اصلی
۴۰	۲-۶-۳- اعداد ترتیبی
۴۰	۳-۶-۳- اعداد کسری
۴۰	۴-۶-۳- اعداد توزیعی
۴۰	۷-۳- حروف اضافه
۴۲	۸-۳- حروف ربط
۴۲	۹-۳- فعل
۴۲	۱-۹-۳- ماده‌های فعل
۴۶	۲-۹-۳- صفت مفعولی
۴۷	۳-۹-۳- شناسه‌های فعل
۴۹	۴-۹-۳- پسوند نمود ناقص
۴۹	۵-۹-۳- پیش فعل
۵۰	۶-۹-۳- وند نفی و نهی
۵۱	۷-۹-۳- ساخت‌های مبتنی بر ماده مضارع
۵۱	۱-۷-۹-۳- مضارع استمراری (اخباری) و آینده
۵۲	۲-۷-۹-۳- مضارع التزامی

۵۳	 امری ۳-۷-۹-۳
۵۴	 ساخت‌های مبتنی بر مادهٔ ماضی ۸-۹-۳
۵۴	 ماضی ساده ۱-۸-۹-۳
۵۶	 ماضی استمراری ۲-۸-۹-۳
۵۹	 ماضی نقلی ۳-۸-۹-۳
۶۱	 ماضی بعید ۴-۸-۹-۳
۶۲	 ماضی التزامی ۵-۸-۹-۳
۶۲	 ماضی بعید نقلی (ابعد) ۶-۸-۹-۳
۶۴	 ماضی مستمر ۷-۸-۹-۳
۶۴	 ماضی استمراری نقلی و ماضی مستمر نقلی ۸-۸-۹-۳
۶۶	 فعل مجهول ۹-۹-۳
۶۷	 فعل دووجهی ۱۰-۹-۳
۶۸	 فعل سببی ۱۱-۹-۳
۶۹	 مصدر ۱۲-۹-۳
۷۰	 افعال کمکی ۱۳-۹-۳
۷۶	 افعال وجهی ۱۴-۹-۳
۷۶	 توانستن ۱-۱۴-۹-۳
۷۷	 بایستن ۲-۱۴-۹-۳
۷۹	 خواستن ۳-۱۴-۹-۳
۸۰	 افعال دارای تصریف خاص ۱۵-۹-۳
۸۰	 دانستن ۱-۱۵-۹-۳
۸۲	 دوست داشتن ۲-۱۵-۹-۳
۸۳	 قرار داشتن ۳-۱۵-۹-۳
۸۴	 اشتقاق ۱۰-۳
۸۴	 پیشوندهای اشتقاقی فعل ۱-۱۰-۳
۹۰	 پیشوندهای غیرفعلی ۲-۱۰-۳
۹۰	 پسوندهای غیرفعلی ۳-۱۰-۳
۹۱	 ترکیب ۱۱-۳
۹۱	 فعل مرکب ۱-۱۱-۳
۹۳	 واژه‌های مرکب (غیرفعلی) ۲-۱۱-۳
۹۵	 فصل چهارم: نحو

۹۵	۴-۱- مقدمه
۹۶	۴-۲- نقش فاعلی
۹۹	۴-۳- نقش مفعول مستقیم
۱۰۱	۴-۴- نقش مفعول غیرمستقیم
۱۰۵	یک متن و تعدادی جمله
۱۲۱	فهرست افعال ساده و پیشوندی
۱۳۱	واژه‌نامه گزی به فارسی
۱۵۹	واژه‌نامه فارسی به گزی
۱۸۳	کتابنامه

نشانه‌های واج‌ها و آواها

/p/	انسدادی، دولبی، بی‌واک	/č/	انسایشی، پس‌لثوی، بی‌واک
/b/	انسدادی، دولبی، واکدار	/j/	انسایشی، پس‌لثوی، واکدار
/t/	انسدادی، دندانی، بی‌واک	/m/	خیشومی، دولبی
/d/	انسدادی، دندانی، واکدار	/n/	خیشومی، لثوی
/k/	انسدادی، نرم‌کامی، بی‌واک	/r/	لرزشی، لثوی
/g/	انسدادی، نرم‌کامی، واکدار	/l/	کناری، لثوی
/ɣ/	انسدادی، ملازی، واکدار	/y/	غلت، کامی
/ʔ/	انسدادی، چاکنایی	[q]	غلت، کامی، گرد
/f/	سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک	[w]	غلت، نرم‌کامی، گرد
/v/	سایشی، لبی‌دندانی، واکدار	/i/	بسته، پیشین، گسترده
/s/	سایشی، لثوی، بی‌واک	/ü/	بسته، پیشین، گرد
/z/	سایشی، لثوی، واکدار	/u/	بسته، پسین، گرد
/š/	سایشی، پس‌لثوی، بی‌واک	/e/	میانی، پیشین، گسترده
/ž/	سایشی، پس‌لثوی، واکدار	/ö/	میانی، پیشین، گرد
/x/	سایشی، ملازی، بی‌واک	/o/	میانی، پسین، گرد
/h/	سایشی، چاکنایی، بی‌واک	/a/	باز، پیشین، گسترده
		/â/	باز، پسین، گسترده

نشانه‌های قراردادی

//	واج‌نویسی
[]	آوانویسی
< >	واج‌نویسی (یا آوانویسی) در متن منبع اصلی
:	کشش واکه
-'	تکیه هجا
/	یا
*	صورت اصلی، اولیه و مورد انتظار واژه
→	تبدیل می‌شود یا شده است به
>	تبدیل می‌شود یا شده است به
Ø	تکواژ صفر

توضیح: برای اشاره به ماده مضارع و ماضی فعل، پس از آنها خط تیره قرار داده شده است، مثل: «سوز-» (ماده مضارع) و «سوخت-» (ماده ماضی). اگر هر دو ماده همزمان مدنظر باشند، با نشانه / (خط مورب) از هم جدا می‌شوند، مثلاً: «سوز-/سوخت-». این مورد در واج‌نگاری کلمات گویشی نیز رعایت شده است همچنین آواهای میانجی به صورت زیرنوشته مشخص شده‌اند، مثل: šu^we «می‌رود»؛ šī^ye «می‌روی».

مقدمه

۱- موقعیت جغرافیایی گز بُرخوار

شهر گز با جمعیت ۲۱۹۱۱ نفر (طبق سرشماری ۱۳۹۰) در ۱۸ کیلومتری شمال شهر اصفهان و در کناره شرقی اتوبان اصفهان به تهران واقع شده است. این شهر طبق تقسیمات جدید کشوری جزء بخش مرکزی شهرستان شاهین شهر و میمه محسوب می گردد؛ ولی از لحاظ تاریخی همواره جزئی از منطقه «بُرخوار» بوده و به همین جهت به «گَز بُرخوار» معروف است.

منطقه بُرخوار که در تداول «بُلخار» نامیده می شود، دشتی است وسیع که از سمت جنوب به شهر اصفهان، از شمال و شمال غربی به نطنز و میمه، از مشرق به اردستان و از طرف مغرب به نجف آباد محدود می گردد. دشت بُرخوار که در منابع قدیمی از آن به عنوان نخستین منزلگاه بین اصفهان و قم و کاشان و ری نام برده اند؛ دارای آب و هوایی نیمه صحرایی، گرم و خشک در تابستان؛ و سرد و خشک در زمستان است. به علت خشکسالی های اخیر و در نتیجه پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی، منطقه دچار کم آبی گردیده؛ و بیشتر قنات ها و چاه های آن خشک شده است. همچنین از طرف مشرق، بیم پیشروی کویر اردستان به قسمت بزرگی از این منطقه وجود دارد. به علت دوری از زاینده رود و نداشتن رودخانه دائمی، چاه های آن عمیق و آب چاه ها نیز شور است.

دیگر شهرها و روستاهای منطقه بُرخوار عبارت اند از: شاهین شهر (مرکز شهرستان شاهین شهر و میمه)، دولت آباد (مرکز شهرستان تازه تأسیس بُرخوار)، خورزوق (در تداول خُرزوک)، دستگرد، سین، گرگاب، شاپور آباد، حبیب آباد و

کُمشیچه.

کشاورزی شهر گز در گذشته معروف بوده و وجود قنوات متعدد در منطقه نشان‌دهنده سابقه طولانی و پرتحرک مردم در امر کشاورزی است. ولی کاهش بارندگی و خشک شدن قنات‌ها در سال‌های اخیر، باعث پایین آمدن سطح زیر کشت و روی آوردن کشاورزان به شهرها و نیز تغییر شغل آنها شده است. محصولات عمده کشاورزی این منطقه علاوه بر گندم و جو، ذرت، چغندر قند، دانه‌های روغنی و صیفی‌جات (به ویژه خربزه) را نیز شامل می‌شود. از محصولات درختی می‌توان از پسته و انگور نام برد. عمده صنایع دستی و سنتی آن را قالی‌بافی، گلیم‌بافی، حلاجی، رنگرزی و صابون‌پزی تشکیل می‌دهد که از اهمیت خاصی برخوردارند. صنایع کارگاهی گز عمدتاً صنایع تولید مصالح ساختمانی، شامل کوره‌های آجرپزی و واحدهای سنگبری است (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وشش؛ سجادی جزی ۱۳۸۱: ۷-۸).

۲- سابقه تاریخی گز بُرخوار

گز که در برخی منابع قدیمی با املای «جَز» از آن نام برده شده، از شهرهای قدیمی منطقه برخوار است که احتمالاً سابقه آن به پیش از اسلام نیز می‌رسد. بافت این شهر قدیمی بوده، هر چند در سال‌های اخیر تغییراتی یافته و سبک معماری جدید در آن متداول شده است.

اولین اشاره به گز مربوط به کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی (قرن ۷ هجری) است. حمدالله مستوفی (قرن ۸ هجری) نیز در کتاب «نزهة القلوب» از آن به عنوان بزرگ‌ترین روستای منطقه برخوار نام برده و چنین نوشته است: «بهمن بن اسفندیار در این ده آتشکده‌ای ساخته است» (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وشش؛ یوسف‌نژاد ۲۰۰۰: ۳۴۷). همچنین شاه طهماسب دوم صفوی در سال ۱۱۴۲ هجری (۱۷۲۹-۱۷۳۰ میلادی) در این روستا نمایندگان کمپانی هند شرقی را ملاقات کرده است (یوسف‌نژاد ۲۰۰۰: ۳۴۷). پس از فتح شهر اصفهان در جریان حمله افغان‌ها به سرکردگی محمود افغان در سال ۱۱۳۵

هجری، گز در ابتدا به دلیل وجود برج و باروی مستحکم در برابر افغان‌ها مقاومت کرد؛ ولی پس از مدتی با ورود سپاه جدیدی از افغان‌ها به رهبری زبردست‌خان از طریق قنوات و آبروهای زیرزمینی، تسخیر شد (همان: ۳۴۸؛ سجادی جزی ۱۳۸۱: ۱۷۸).

از اماکن تاریخی و مذهبی این شهر، می‌توان از مسجد جامع گز نام برد که قدمت آن به عهد سلجوقی می‌رسد و گویا در محل یک آتشکده قدیمی بنا شده است (هنرفر ۱۳۷۲: ۱۱۰). مسجد جامع گز چهار ایوان دارد که به سبب تجدید بنا و دخل و تصرف‌های دوران صفویه، ویژگی‌های دیرین و قدیمی خود را از دست داده؛ ولی نمای آجری و محراب آن مربوط به دوره سلجوقی است. قسمتی از مناره آن به مرور زمان خراب شده و کتیبه‌ای که سال ساختمان آن را به دست می‌دهد نیز باقی نمانده است (همانجا).

به دلیل عبور جاده قدیم اصفهان به تهران از کنار گز، در زمان صفویه در کنار این جاده کاروانسرای بنا گردید که به کاروانسرای شاه‌عباسی معروف است. این کاروانسرا که اولین کاروانسرا بعد از اصفهان به سوی تهران است، امروز ویران و متروک شده است. گز در گذشته دارای برج و باروی بزرگی بود که اکنون از بین رفته است و فقط قسمت‌هایی از آن در گوشه و کنار به چشم می‌خورد (همانجا؛ محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وهفت).

وجه تسمیه «گز» دقیقاً مشخص نیست؛ اگرچه به نظر برخی نام این شهر احتمالاً از گیاه گز گرفته شده است. درباره وجه اشتقاق «برخوار» نیز، جناب (۱۳۷۱: ۱۹۴) چنین نوشته است: «بَل خوار بوده است که بَل [صورت تغییر یافته پُر] به معنی بسیار باشد و خوار، خار و تیغ است».

۳- بزرگان و مشاهیر گز برخوار

درویش عباس گزی (۱۲۶۴-۱۳۲۳ هجری) متخلص به «جَزی» از شعرای عهد قاجار است که دیوان شعری به نام «ارشاد الولد» به گویش گزی دارد. این دیوان شامل ده هزار بیت است که در مضامین عرفانی، موعظه، وصف طبیعت، مدح،

هجو و هزل سروده شده است. هدف درویش عباس از سرودن این اشعار به گفته خودش، آگاه کردن فرزنداناش بوده و از این رو، کتاب خود را «ارشاد الولد» نامیده است. از این کتاب، دونسخه خطی موجود است (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست و یک-بیست و سه).

از دیگر مشاهیر گز بر خوار، می‌توان از آیت‌الله آقا شیخ عبدالکریم گزی معروف به آیت‌الله گزی (متوفی به سال ۱۳۳۹ هجری) نام برد. وی در مدرسه کاسه‌گران اصفهان مشغول تحصیل و تدریس بوده و دارای تألیفاتی است از آن جمله کتاب «تذکره القبور» و دیگری رساله «عقود و ایقاعات» که در سال ۱۳۳۵ هجری تألیف شده است (همان: بیست و هشت).

۴- گویش گزی و پیشینه مطالعاتی آن

گویش گزی (به گویش محل «آزون گزی» /ozun gezi/) از گویش‌های مرکزی ایران محسوب می‌شود و در گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار دارد. این گویش با دیگر گویش‌های منطقه اصفهان از جمله گویش کلیمیان اصفهان، خورزوقی و سدهی وجه تشابه بسیار دارد. به همین دلیل محققان خارجی این گویش‌ها را در دسته‌ای کوچکتر از گویش‌های مرکزی ایران به نام جنوب غربی قرار داده‌اند.

گویش‌های مرکزی در گذشته در سراسر منطقه اصفهان و حتی شهر اصفهان رایج بوده‌اند. ولی ظاهراً از زمان صفویه و با بسط و گسترش زبان فارسی در شهر و مناطق اطراف، به تدریج این گویش‌ها رو به زوال رفتند که این موضوع کماکان نیز ادامه دارد (تفضلی ۱۳۵۰: ۸۷).

در منطقه بر خوار غیر از گز، در دو نقطه دیگر یعنی شهر خورزوق (به گویش محل /xorzuk/) و روستای کُمشیچه (در گویش محل /kumše/، گونه‌ای گویشی از مجموعه گویش‌های مرکزی هنوز اندک رواجی دارد. گونه رایج در خورزوق به خاطر فاصله بسیار کم دو شهر گز و خورزوق (حدود ده کیلومتر)، به گویش گزی بسیار شبیه است. دیگر روستاهای منطقه بر خوار همگی فارسی‌زبان‌اند.

گری به واسطه وجود دیوان درویش عباس گزی از معدود گویش‌های ایرانی است که از آن اثر مکتوبی به جای مانده است. بررسی زبان به کار رفته در دیوان درویش عباس گزی نشان‌دهنده آن است که این گویش در طول بیش از یکصد سال گذشته، دستخوش تغییراتی شده است. برای مثال، برخی از واژه‌هایی که در دیوان درویش عباس به کار رفته، یا منسوخ شده‌اند و یا تغییر تلفظی یافته‌اند. واژه‌هایی مانند نمونه‌های زیر امروزه دیگر اصلاً به کار نمی‌روند: <خوچش> /xočeš/ «خودش»، <خوچت> /xočet/ «خودت»، <شان‌ووان> /šānnovân/ «گفتگو، رفت‌وآمد، معاشرت»، <وَحَسُو> /vahsow/ «بی‌تابی کردن»، <وَسَامُون> /vessâmun/ «شدن» و <فِلِقْنَامُون> /felegnâmun/ «بلعیدن و قورت دادن» (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: نوزده).

از دیگر تغییرات آوایی چشمگیر می‌توان به حذف همخوان پایانی ماده مضارع فعل «گفتن» یعنی /-vâž/ و حذف سایشی چاکنایی از آغاز برخی کلمات اشاره کرد. بر این اساس واژه‌هایی مانند /bevâže/ «بگویی»، /vâžiye/ «می‌گویی»، /hete/ «بده»، /hu/ «است، هست»، /nehu/ «نیست» و /hamun/ «هنوز» امروزه به ترتیب به صورت /bevâie/، /vâiye/، /ete/، /u/، /neu/ و /amun/ تلفظ می‌شوند. یکی دیگر از این تغییرات، تغییر تلفظی ضمائر پی‌بستی است. به عنوان مثال ضمائر پی‌بستی دوم و سوم شخص مفرد که در دیوان درویش عباس به صورت /-ot/ و /-oš/ به کار رفته‌اند، به /-âd/ و /-âž/ تبدیل شده‌اند؛ به طوری که کلماتی مانند /gam-ot/ «گمت» و /gam-oš/ «غمش»، امروزه /gam-âd/ و /gam-âž/ تلفظ می‌شوند. این تغییرات باعث سنگینی و غرابت زبان اشعار دیوان، حتی برای گویشوران شده است (همانجا).

گویش گزی به سبب وجود دیوان شعر درویش عباس گزی و داشتن ادبیات مکتوب، از جمله گویش‌هایی است که توجه را به خود جلب کرده و تحقیقاتی توسط محققین خارجی و ایرانی بر روی آن انجام گرفته است.

کتاب ژوکفسکی (۱۹۲۲) قدیمی‌ترین اثر درباره این گویش است. این اثر که نتیجه سفر این محقق روس به ایران در دهه ۱۸۸۰ میلادی است؛ شامل چندین

جمله، متن و واژه‌نامه به گویش گزی است. حجم زیادی از واژه‌نامه را در واقع صورت‌های صرف‌شدهٔ افعال به خود اختصاص داده است.

کتاب محقق آلمانی آیلرس (۱۹۷۹) اثری است جامع و قابل اعتنا. این کتاب دو جلدی شامل دستور زبان، چندین متن بزرگ و کوچک، ترجمهٔ آلمانی متون و واژه‌نامه (با توضیحات و ریشه‌شناسی) است. در پیوست آن نیز نسخهٔ عکسی دیوان درویش عباس دیده می‌شود.

کتاب محمدی و دیگران (۱۳۷۱)، منتخب و گزیده‌ای (۲۳۶ غزل) از غزلیات دیوان درویش عباس گزی است. در پایان هر غزل برخی واژه‌ها معنی و توضیحاتی داده شده است.

پایان‌نامهٔ فاضل (۱۳۷۴) دیگر کار انجام گرفته بر روی این گویش است که برخی ویژگی‌های دستوری این گویش را با شواهدی از اشعار درویش عباس ارائه کرده است.

اثر حاضر نتیجهٔ تحقیقی میدانی است که کار گردآوری مواد گویشی آن در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ انجام گرفت. تحقیق تکمیلی دیگری نیز برای رفع برخی ابهامات در تابستان سال ۱۳۸۱ به انجام رسید. در این تحقیق عمده‌تاً از چهار گویشور منطقه کمک گرفته شد که عبارت‌اند از: آقایان رمضان‌علی ناظریان (متولد ۱۳۲۴)، نانوا، فقط دارای سواد خواندن؛ احمد فاضل (متولد ۱۳۳۸)، عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین؛ مسلم هادیان (متولد ۱۳۲۰)، بقال، بی‌سواد؛ و مشهدی علی هادیان (متولد ۱۲۹۸)، بقال، بی‌سواد.

فصل اول

نظام واجی

۱-۱- همخوان‌ها

گزی ۲۳ همخوان واجی دارد که عبارت‌اند از:

چاکنایی	ملازی	نرمکامی	کامی	پس‌لثوی	لثوی	دندانی	لبی‌دندانی	دولبی	
?	g					t d		p b	انسدادی
h	x	k q		š ž	s z		f v		سایشی
				č ĵ					انسایشی
					n			m	خیشومی
					r				لرزشی
					l				کناری
			y						غلت
		[w]	[u]						غلت‌گرد

ذکر چند نکته درباره برخی همخوان‌های این گویش مفید به نظر می‌رسد:

بست چاکنایی /ʔ/ علاوه بر حضورش در کلمات عربی مثل jumʔa «جمعه»، gorʔun «قرآن»، naʔlat «لعنت»؛ در دو مورد دیگر نیز دیده می‌شود: یکی به عنوان آوای میانجی میان دو واکه (در مرز دو هجا از دو تکواژ)؛ و دیگری نتیجه فرایند تضعیف درزمانی (در مرز دو هجا از یک تکواژ). در دو مورد اخیر تلفظی بسیار ضعیف دارد و به این جهت با نشانه زبرنوشته [ʔ] نشان داده می‌شود، مانند:

یک- آوای میانجی میان دو واکه (در مرز دو هجا از دو تکواژ):

be [?] un	ببر	ini [?] id	بنشینید
be [?] as	نگاه کن	bevâ [?] e	بگویی
na [?] ažu	نمی‌ارزد	bevo [?] u	بگوید
ne [?] em	نیستیم	do [?] am	دوم

دو- نتیجهٔ فرایند تضعیف در زمانی (در مرز دو هجا از یک تکواژ):

bâ [?] ü	بازو	â [?] ek	آهک
vâ [?] um	بادام	su [?] un	سوهان
je [?] un	جوان	šü [?] üd/ šü [?] üd	شوید
â [?] en	آهن	pe [?] arsâl	پیرارسال

آوای خفیف [ʔ] در این نقش آخر، به خصوص در میان توالی دو واکهٔ /a/ بسامد بالایی دارد، مانند:

ma [?] a	ماده، مایه	rasa [?] a	رسیده
sa [?] a	سایه	püsa [?] a	پوسیده
ga [?] a	حرف	ganda [?] a	گندیده
ga [?] am	قایم	essa [?] a	ایستاده

در دیوان درویش عباس گزی مربوط به حدوداً یک قرن پیش (و نیز دیگر گویش‌های نزدیک به گزی مثل خورزوقی و کُمشِچه‌ای)، در این موضع آوای سایشی [h] نیز دیده می‌شود، مانند <gaʔa> [gaʔa] و <qəhə> [gaha] به معنی «حرف، صحبت». ژوگفسکی (۱۹۲۲) نیز این توالی را گاه با دو واکهٔ همانند <aa>، مثل <kaa> «بازی»؛ و گاه با درج [h] میان دو واکه، مثل <ḡahá> «قَهه (حرف)» نمایش داده است. سپنتا (۱۳۷۵: ۹۷-۹۸) تمامی این توالی‌ها را یک واکهٔ کشیدهٔ دارای نواخت خیزان (مانند sa: «سایه»، pa: «پایه»، šü:d «شوید») به حساب آورده است.

در مرز تکواژها توالی سه واکه نیز رخ می‌دهد:

berasa [?] a [?] u	رسیده است
*vâž-u-e > vo [?] u ^w e	می‌گوید

تقابل واج‌های ملازی و نرم‌کامی در مثال زیر مشخص می‌شود:

/g/	/x/	/g/	/k/
giye	xiye	giye	kiye
تغار	خایه	گریه	خانه

واج /g/ همچون فارسی دارای واجگونه سایشی است. آیلرس (۱۹۷۹: ۲۵؛ و نیز واژه‌نامه) این واج را ظاهراً به دلایل تاریخی دو واج محسوب کرده و با دو نشانه <ɣ> و <q> نشان داده است. با این وجود او بسیاری از کلمات را با هر دو املا آورده است، مثل <qātiq> و <ɣātiɣ> «قاتق». ژوکفسکی (۱۹۲۲) نیز از سه حرف <к>، <г> و <ɣ> برای نمایش این واج استفاده کرده است، مثل капи́е «غله»، каһд «قحط»، гам «غم»، гам'э «قمعه»، ɣahá «قَهه (حرف)». انسدادی‌های نرم‌کامی /k/ و /g/ قبل از واکه‌های پیشین قدری کامی تلفظ می‌شوند.

تقابل واج /ʒ/ با دیگر واج‌ها در جفت‌های کمینه زیر مشخص می‌شود:

žun	داغ و نشانه آب	jun	جان
ženg	زنگ (زنگار)	jeng	جنگ
žen-	زن - (ماده مضارع)	zen-	زای - (ماده مضارع)
žent-	زد - (ماده ماضی)	zent-	زایید - (ماده ماضی)
ažun	ارزان	azun	اذان
vež-	بیز - (بیختن)	vez-	دو - (دویدن)

دو غلت گرد [w] (نرم‌کامی) و [ɥ] (کامی) فقط به عنوان جزء دوم واکه‌های مرکب و نیز آوای میانجی بین دو واکه دیده می‌شوند.

کشش همخوانی در برخی واژه‌ها به علت تغییرات آوایی دیده می‌شود، مثل vešše «گشنه»، vesse «بایست»، öččö(ɥ) «دیشب».

۱-۲- واکه‌ها

گزی ۸ واکه واجی دارد که عبارت‌اند از:

	پیشین		پسین	
	گسترده	گرد	گسترده	گرد
بسته	i	ü	-	u
میانی	e	ö	-	o
باز	a	-	â	-

تقابل واکه /ü/ با واکه‌های هم‌ارتفاعش در جفت‌های کمینه زیر مشخص است:

/i/		/ü/		/u/	
di-	دید-	dü	دود	du	دوغ
ši-	رفت-	šü	شوهر	šu	آهار
pir	پیر	pür	پسر	---	---
---	---	kü	بیرون	ku	کود، کوه

واکه /ö/ با وجود بسامد بالا، از حیث نقش تقابلی با دیگر واکه‌های هم‌ارتفاعش، بار نقشی ناچیزی دارد؛ به طوری که تنها دو جفت کمینه زیر به دست آمد:

čöš	چشم	čes-	چش - (ماده مضارع چشیدن)
šöš	شیش (عدد)	šoš	شش، نوعی بیماری دام

واژه‌های زیر نمونه‌ای است از بسامد بالای این واکه در گویش گزی:

öččö(ü) «دیشب»، čöš «چشم»، növe «نوه»، jölö(ü) «جلو»، dörün «اتاق»، öbrü «ابرو»، ömr «عمر»، örze «عرضه»، göbü «قبول»، hökm «حکم»، mömün «میمون»، šöytun «شیطان»، söndüg «صندوق».

۱-۳- واکه‌های مرکب آوایی

واکه‌های مرکب آوایی شامل ۶ مورد زیر است:

[ay]:	ayn	دهان
[ây]:	derâyž	بیاویز (آویزان کن)
[ey]:	seyl	سیل